

رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران و عزت نفس دانش‌آموزان دختر ناشنوا و شنوا

دکتر سیمین حسینیان^۱، دکتر مه‌سیما پورشه‌ریاری^۱ و فاطمه نصرالله کلانتری^{۱*}

تاریخ دریافت: ۸۶/۱/۱۵ تاریخ تجدید نظر: ۸۶/۶/۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۹/۲۸

چکیده

هدف: من تحقیق با هدف بررسی و مقایسه رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران و عزت نفس دانش‌آموزان دختر ناشنوا و شنوا در مقطع متوسطه شهر تهران، انجام پذیرفته است. روش تحقیق توصیفی با تأکید بر همبستگی است و نمونه ماری شامل ۶۹ دانش‌آموز دختر ناشنوا و ۱۲ دانش‌آموز دختر شنوای مقطع متوسطه و مادران هر دو گروه بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای - مآوری اطلاعات از پرسشنامه عزت نفس کوپراسمیت و پرسشنامه نوس و ه‌ی فرزندپروری بامریند استفاده شد و به منظور تجزیه و تحلیل دادها از آزمونهای آماری استودنت برای گروههای مستقل و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که بین شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا تفاوت معناداری وجود ندارد. ($P < 0.01$) بیشتر مادران هر دو گروه نمونه از شیوه فرزندپروری مقتدرانه بهره‌میرند. بین عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا تفاوت معنادار وجود دارد. ($P < 0.01$)، بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه مادران با عزت نفس فرزندان در هر دو گروه ناشنوا و شنوا رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. ($P < 0.05$). نتیجه‌گیری: از آنجا که یافته‌های پژوهش حاکی از - وجود رابطه مثبت و معنادار بین شیوه‌های فرزندپروری و عزت نفس دانش‌آموزان ناشنواست، ارائه موزشهای لازم به والدین دانش‌آموزان برای رابطه بهتر و مؤثرتر با آنها، ضروری مودک است.

واژه‌های کلیدی: فرزندپروری، عزت نفس، ناشنایی

دانشگاه الزهرا

* نویسنده رابط: تهران - ده‌ونک - دانشگاه الزهرا - ۸۰۴۰۵۹۴ - ۰۲۱ (email: dehnoo444@yahoo.com)

مقدمه

خانواده، نخستین و منحصر به فردترین نهاد اجتماعی است که سلامت و موفقیت هر جامعه را مرهون سلامت و رضایت مندی اعضای آن دستاورد و تیر هریک از افراد و هریک از روابط مثبت یا منفی آنها از دوام و عمق و شدت زیادی برخوردار است. (گلدبرگ و گلدبرگ ۲۰۰۰)

نقش ارتباطات درون خانوادگی، ارتباط والدین باهم، والدین - فرزندان و فرزندان با یکدیگر در شکل گیری شخصیت افراد، آرامش خاطر، اعتماد به نفس، توان سازگاری و نهایتاً بروز رفتارهای مناسب و عدم ابتلا به اختلالات روانی شان توجه است. (گزارش سازمان ملی جوانان ۳۸۱؛ به نقل از محرابی ۱۳۸۳)

شیوه های فرزندپروری را می توان مجموعی از رفتارها دانست که تعاملات والد - فرزند را در طول دامنه گسترده ای از موقعیتهای، توصیف می کند. (علیزاده و اندرایس، ۲۰۰۲)

بامریند (۱۹۷۱، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱) که مطالعات طولی برجسته ای را با مشاهده تعاملی والدین با فرزندان خود انجام داد، شیوه های فرزندپروری را شامل رفتارهای گوناگون، متنوع، بهنجار و طبیعی می داند که والدین به منظور کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان به کار می برند. (بامریند ۱۹۹۱؛ به نقل از دارلینگ ۱۹۹۹)

وی دریافت که شیوه های مختلف فرزندپروری والدین در دو بعد، با یکدیگر تفاوت دارند. بعد اول، توقع^۱ و کنترل و بعد دوم، پذیرندگی^۲ و اجابت کنندگی^۳: ترکیب گوناگون دو بعد توقع / کنترل و پذیرندگی / اجابت کنندگی چهار شیوه فرزندپروری را بوجود می آورد که پژوهش بامریند بر سه شیوه آن متمرکز است: مقتدرانه^۴ (دمکراتیک)، مستبدانه - سهل گیرانه. چهارمین شیوه یعنی شیوه کنار گیر^۵ (مسامحه کار) را محققان دیگری مورد مطالعه قرارداد اند. (برک ۲۰۰۰)

مطالعات بعدی بروفی^۹، ۱۹۸۹؛ درت^{۱۰}، دی ولف^{۱۱} و رتر^{۱۲} ۱۹۹۲؛ فورمن^{۱۳} و کچانسک^{۱۴} (۲۰۰۱) از یافته های بامریند در خصوص تاثیر شیوه های فرزندپروری بر رفتار فرزندان حمایت کرد به نقل از برنز (۲۰۰۶).

جدول ۱- ابعاد شیوه‌های فرزندپروری دینا بامریند: اقتباس از برنز، ۲۰۰۶

شیوه فرزندپروری	دوران کودکی	دوران نوجوانی
اقتداری (دمکراتیک) آن کار را انجام بده زیرا ...»	سرزندگی و شادابی، عزت نفس بالا، خودکنترلی بالا، قانع بود، همکاری	سطوح بالای بلوغ و کفایت اجتماعی و اخلاقی، پیشرفت علمی، خلاقیت، سازاری مسئولیت پذیری
مستبدانه (والد محور) آن کار را انجام بده!»	مضطرب - ناشایسته - منزوی و گوشه‌گیر - ناسازگار - بدگماز - خصومت در صورت ناکامی	سازگاری کمتر با همسالان خود، اعتماد به نفس کم همراه با احساس بی‌کفایتی، و کمرویی، خلاقیت و استقلال کم
سهل‌گیرانه (رژندمحور) می‌خواهی آن کار را انجام دهی»	تکانشه - نافرمانی و سرکشه - متوقع و وابسته به بزرگسالان - خودکنترلی ضعیف	ضعف در مهار خود و کفایت اجتماعی، عملکرد ضعیف در مدرسه، احتمال بیشتر بزهکاری و مصرف مواد مخدر
مسامحه‌کار (کناره‌گیر) هر کاری می‌خواهی انجام بده»	نقص مهارت‌های عاطفی، اجتماعی، ضعف در تکالیف مدرسه، و پیشرفت تحصیلی ضعیف، پر خاشگیری، خودکنترلی و عزت نفس بسیار ضعیف	خودمهارگری و عملکرد مدرسه‌ای و تحصیل ضعیف، عزت نفس پایین، خصومت و استفاده زیاد از داروهای مخدر.

جدول ۲ - خلاصه‌ای از تأثیرات شیوه‌های مختلف فرزندپروری بامریند، ۱۹۹۱ برگرفته از برنز، ۲۰۰۶

شیوه فرزندپروری مقتدرانه	توقع / کنترل ↑	پذیرندگی / اجابت‌کنندگی ↑
شیوه فرزندپروری مستبدانه	توقع / کنترل ↑	پذیرندگی / اجابت‌کنندگی ↓
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه	توقع / کنترل ↓	پذیرندگی / اجابت‌کنندگی ↑
شیوه فرزندپروری کناره‌گیر	توقع / کنترل ↓	پذیرندگی / اجابت‌کنندگی ↓

همان‌گونه که در جدول ۲ نیز ملاحظه می‌شود بامریند (۱۹۹۱) دریافت که مطلوب‌ترین نتایج تحولی که سبب سازگار‌یهای مختلف در فرزندان و رشد همه‌جانبه آنان می‌شود، با شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین در ارتباط است (به نقل از برنز ۲۰۰۶). یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای یک شخصیت رشد یافته، داشتن عزت نفس است. خصوصاً این نیاز مبرم بشری در دوره نوجوانی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا نوجوان دارای سطح بالای عزت نفس، مؤثرتر می‌آموزد، روابط سودمندتری برقرار می‌کند، بهتر می‌تواند از فرصت‌ها استفاده کند و مولد و خودکفا باشد (کلمز و همکاران، ترجمه علیپور ۳۸۳).

عکس، نوجوانی که عزت نفس کمتری دارد، به آسانی تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرد، خود را ناتوان و بی‌ارزش می‌پندارد، از امکانات و استعداد‌های خود ارزیابی

ضعیفی دارد و در امور مختلف زود ناامید می‌شود. بیابانگرد (۱۳۸۰) عزت نفس یا احساس ارزشمند بودن، همان رضایت فرد از خویشتن است. ه نتر (۲۰۰۶) از عزت نفس ه مثابه دیدگاه فرد نسبت به خود؛ به جهات جسمانی روانی و هیجانی یاد می‌کند. فرانکن (۹۹۴) عزت نفس را غرور و افتخاری می‌داند که وقتی که فرد به نقایص خویش واقف می‌شود و آنها را می‌پذیرد و سعی می‌کند آنها را رفع کند، به او دست می‌دهد. (به نقل از صدرالسادات ۱۳۸۰)

عوامل متعددی در شکل‌گیری و رشد عزت نفس دخیل هستند، اما نگرشهای والدین و شیوه‌ی تربیتی آنان در جاد حس خود ارزشمندی فرزندان، عامل اولیه و اساسی به شمار می‌رود. (مک آرتور، ۲۰۰۴). نتایج تحقیقات مختلفی از جمله تحقیقات فلیگر و واسونی (۲۰۰۶)، آنولا (۲۰۰۰)، هرز و همکاران (۱۹۹۹)، به نقل از برجعلی، (۳۷۸)، ه فمن و شیف (۹۹۳) به نقل از آقاجری (۳۷۴) نشان می‌دهد که بین شیوه‌ی مختلف فرزندپروری والدین با میزان عزت نفس نوجوانان رابطه وجود دارد؛ بدین معنا که نوجوانان دارای والدین مقتدر، عزت نفس بالاتری نسبت به نوجوانان دارای والدین مستبد سهل‌گیر و یا مسامح‌گر دارند.

همار گونه که داشتن عزت نفس قوی در افراد عادی جامعه، بسیار حائز اهمیت است، در افراد استثنایی از جمله گروه ناشنوایان، خصوصاً نوجوانان نه تنها بر پیشرفت تحصیلی و شغلی آنها اثر می‌گذارد، بلکه در برقراری روابط اجتماعی بهتر، سازگار و عاطفی بیشتر، مشارکت در امر اجتماعی، احقاق حقوق خود، بهر مندی از فرصتهایی که در اختیارشان قرار می‌گیرد، بسیار مؤثر است.

لوتب و ساریجیانی^{۱۵} (۱۹۸۶)، به نقل از اسلا دوست (۳۸۳)، کاپلی و همکاران (۹۹۵) و پادلاس (۹۹۶) در پژوهش‌های جداگانه‌ای گزارش کرده‌اند که دانش‌آموزان ناشنوا در مقایسه با دانش‌آموزان شنو، عزت نفس کمتری دارند. به‌خوبی پژوهش‌های داخلی نیز از این نتایج حمایت می‌کند.

ام مورس^{۱۶} (۱۹۹۵)، به نقل از کشاورزی ارشدی (۳۸۴) در پژوهش خود به نتایج متفاوتی دست یافت. او پس از یک بررسی سه‌ساله بر روی ۹۲۰ دانش‌آموز ناشنوا گزارش کرد که خود‌پنداره آنها، با اندک تغییری در طبقه‌بندیهای مختلف به خوبی درون دامنه بهنجار خود‌پنداره قرار می‌گیرد (کشاورزی ارشدی ۱۳۸۴). اختار بختیار

۱۳۷۹) نی در پژوهشی که ی بررسی و مقایسه عزت نفس دختران ناشنوا و شنوا انجام داد. گزارش کرد که بین این دو گروه تفاوتی در میزان عزت نفس وجود ندارد. از آنجا که برقراری ارتباط و ایجاد حس امنیت و پذیرش در ناشنوایان امری دشوار است، به نظر می آید که هر ی پنهانی در پژوهشگران برای ورود به این حوزه وجود دارد. با نکه در نوشته ی پژوهشی در زمینه مشاوره و راهنمایی برای رفع مشکلات رشدی و رفتاری کودکان راههای بسیاری پیشنهاد شده است، جالب است بدانیم برای مشاوره که می خواهد با ناشنوایان یا والدین آنها کار کند کتابها یا نوشته های پژوهشی و نتایج تحقیقاتی چندانی در دسترس نیست. (تامپسون، ترجمه طهوریان ۳۸۴) در این میان سعی محقق بر ن قرار گرفت تا با ورود به ن حوزه به شناخت شیوه های فرزندپروری مادران دانشر آمو ان ناشنوا، میزان عزت نفس آنها و رابطه ان دو عامل نایل شود و ان نتایج را با نتایج حاصل از زمون دانشر آمو ان شنوا و مادرانشان مقایسه کند تا بتوان از طریق آموزش به والدین ناشنوایان به ی ، کارگیری ه ، ثرتین و کار، مدترین شیوه پرورش فرزند که سبب افزایش عزت نفس ان عزیزان می شود، می هر چند مقدماتی ی استقلال، اجتماعی شدن و کاهش مشکلات نان برداشت و با تعمیم نتایج ان پژوهش به معلمان و مربیان ناشنوایان، به آنان توصیه کرد که با اتخاذ شیوه ی مناسب رفتاری در افزایش عزت نفس ان گروه که زمینه ساز به ود بسیاری از مشکلات آنان است، م ثرت عمل د.

در این تحقیق فرضیه های زیر بررسی می شوند:

- ن ن و ی فرزندپر ی مادران دانشر آمو ان ناشنوا و شنوا تفاوت وجود دارد.
- ن عزت نفس دانشر آمو ان ناشنوا و شنوا تفاوت وجود دارد.
- ۳- ن ن و ی فرزندپر ی مادران دانشر آمو ان ناشنوا و شنوا و ن عزت نفس فرزندان آنها رابطه وجود دارد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

پژوهش حاضر، پژوهشی کاربردی است که به روش تودیفی با تاکید بر همبستگی انجام پذیرفته است جامعه آماری پژوهش حاضر را همه دانشر آمو ان دختر ناشنوا و

شنوای مقطع متوسطه شهر تهران که در سال تحصیلی ۵. ۱۳۸۴ در مدارس ویژه ناشنوایان و مدارس عادی مشغول به تحصیل بودند و مادران هر دو گروه از دانش‌آموان یاد شده تشکیل می‌دادند. نمونه آماری پژوهش در خصوص دانش‌آموان دختر ناشنوا و مادران آنها، همان جامعه آماری آنان در نظر گرفته شد و همه دختران ناشنوا و مادران آنها مورد زنون قرار گرفتند. به خاطر امکان مقایسه بیشتر و بهتر، تعداد نمونه دانش‌آموان دختر شنوا و مادران آنها نیز به همان تعداد نمونه دانش‌آموان دختر ناشنوا و مادرانشان انتخاب شد.

طبق آمار اخذ شده از سازمان آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران، تعداد دانش‌آموان دختر ناشنوای مقطع متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۵. ۱۳۸۴، ۱۷۹ نفر بود که در چهار مرکز آموزشی ویژه ناشنوایان در مناطق ۱۲ آموزش و پرورش شهر تهران مشغول به تحصیل بودند. زان تعداد ۶۱ نفر به دلایل غیبت در روز اجرای آزمون، داشتن نقایص دیگر حسی، حرکتی که نتایج آزمون را مخدوش می‌ساخت، عدم همکاری دو دبیرستان بی در اختیار گذاشتن دانش‌آموان مقطع پیش‌دانشگای خود و ممکن نبودن دسترسی به مادران دانش‌آموان شهرستانی ساکن خوابگاه ویژه ناشنوایان، از حجم نمونه اولیه حذف شدند. در نتیجه حجم نمونه بی اجرای آزمون عزت نفس کوپراسمیت بر روی دانش‌آموان با ۱۱۸ نفر تقلیل یافت. در خصوص نمونه‌گیری دانش‌آموان دختر شنوا، بی کنترل عوامل فرهنگی و اقتصادی، از مناطق آموزش و پرورش ۱۲ شهر تهران که مدارس ویژه ناشنوایان در آن قرار داشت، به صورت هدف‌مند مدارس انتخاب شد که از لحاظ مکانی در نزدیکی مدارس ویژه ناشنوایان قرار داشتند. سپس، صورت تصادفی از هر مدرسه در مقطع متوسطه یک کلاس به صورت نمونه انتخاب شد که تعداد دانش‌آموان از ۱۱۵ نفر شمارش شد. مادران هر دو گروه از دانش‌آموان یاد شده نیز جزء نمونه آماری این پژوهش بودند.

ابزار

۱) آزمون عزت نفس کوپراسمیت

۲) آزمون شیوه‌ی فرزندپروری بامریند

آزمون عزت نفس کوپراسمیت (ن آزمون ۵۸ ماده دارد که ۸ ماده آن درو: سنج است. دامنه پاسخهای آزمودنی به صورت بله، خیر است که هر فرد متناسب با وضعیت خود یکی از گزینه‌ها را انتخاب می‌کند. بدیهی است حداقل نمره‌ای که هر فرد ممکن است کسب کند، صفر و حداکثر آن ۵۰ خواهد بود. در این آزمون، با توجه به نحوه کسب شده هر فرد، سطح عزت نفس وی تعیین می‌شود. این آزمون زروایی و پایایی بالایی برخوردار است. روایی این آزمون بدین معنی که ماده‌ای موجود در آن، مفهوم عزت نفس فرد را می‌سنجد، مورد تأیید است. دانش‌آموزان روستاها، آمار و روش تحقیق بود اکبری ارزوما، ۳۷۲؛ به نقل از نبوی (۱۳۷۵). اما در گروه ناشنویان به دلیل داشتن محدودیتهایی در درک زبان شفاهی، محقق روایی محتوایی این آزمون را در خصوص کاربرد آن برای ارزیابی عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا از چندتن از اساتید و متخصصان رشته‌های کودکان استثنایی، شنوایی شناسی و گفتاردرمانی (آسیب شناسی گفتار و زبان) جویا شد و نشان یابد که محتوای سالات این آزمون به شرط تفهیم آن با زبان اشاره می‌تواند عزت نفس ناشنویان را اندازه بگیرد، اما باید خاطر نشان کرد که از آنجا که این بررسی به صورت آبی صورت نگرفته باید در تحلیل و نتیجه‌گیری از احتیاط لازم صورت گیرد.

برای تعیین پایایی این آزمون، پورشافعی (۳۷۱) آن را بر روی یک گروه ۳۰ نفره اجرا کرد و پس از دو نیمه کردن (زوج - فرد) ضریب پایایی ۰٫۳ را بدست آورد. گلبگی (۳۷۳) از طریق بازآزمایی بر روی ۱۸۰ نفر، ضریب پایایی ۰٫۸۰ را بدست آورد.

محقق نیز پایایی آزمون عزت نفس کوپراسمیت را برای ارزیابی عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا، مورد بررسی قرار داد که پس از اجرای این آزمون، با زبان اشاره بر روی یک گروه ۳۰ نفره از دانش‌آموزان دختر دبیرستانی ناشنوا، ضریب آلفای کرونباخ ۰٫۷۵ محاسب شد.

آزمون شیوه‌های فرزندپروری بامریند: بامریند (۱۹۷۱، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱) برای تحقیقات خود پرسشنامه‌ای را طراحی کرد که به نام خود او معروف شد، این پرسشنامه شامل ۲۰ سؤال است. در مقابل هر سؤال ۵ گزینه با عناوین «کاملاً موافقم»، «موافقم»، «تقریباً مخالفم» و «مخالفم» کاملاً مخالف قرار دارد که به ترتیب از صفر تا چهار،

نمر گدی می‌شود. از جمع، آلات مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا دست می‌آید. برای هر والد، شیوه‌ای که بیشترین نمره را به خود اختصاص دهد، به مثابه شیوه فرزندپروری آن والد در نظر گرفته می‌شود. به نقل از کرد نوقایی (۳۷۸) ضریب روایی و پایایی این آزمون در پرسشنامه‌های مختلف در حد بسیار مقبلی نشان داده شده است.

در پژوهشی که اسفندیاری (۳۷۴) انجام داد تا امکان تغییر شیوه‌های فرزندپروری والدین کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری را بررسی کند، از چند تن از صاحب نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی درخواست کرد تا میزان روایی هر جمله پرسشنامه را مشخص کنند. نتیجه حاصل نشان داد که این پرسشنامه دارای روایی محتوایی است. همچنین وی میزان پایایی این آزمون را در شیوه مقتدرانه ۰/۳۰، در شیوه مستبدانه ۰/۱۷ و در شیوه سهل‌گیرانه ۰/۰۹ محاسبه کرد. (به نقل از میرزایی ۳۸۴).

نحوه اجرای پرسشنامه‌ها:

در اجرای پرسشنامه عزت‌نفس، برای هر دو گروه دانش‌آموزان ناشنیده، محقق عبارات آزمون را یک به یک با زبان اشاره به آنها تفهیم کرد. چون تعداد دانش‌آموزان ناشنوا در هر کلاس بین ۴ نفر بود، امکان نظارت تنگاتنگ محقق بر اجرای آزمون وجود داشت و سعی شد مصادیقی که در صورت نیاز برای تفهیم و توضیح عبارتی کارگرفته می‌شد، در همه کلاسها و برای همه دانش‌آموزان یکسان باشد.

برای اجرای پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری، در هر دو گروه نمونه تلاش زیادی انجام گرفت، اما عدم همکاری اولیاء مدارس و همچنین اولیاء دانش‌آموزان، محقق را ناگزیر کرد تا پرسشنامه مذکور را از طریق دانش‌آموزان برای مادرانشان ارسال و پس از تکمیل جمع‌آوری کند.

از ۱۱۸ پرسشنامه فرستاد شده برای مادران دانش‌آموزان ناشنوا ۶۹ پرسشنامه و از ۱۱۵ پرسشنامه فرستاد شده برای مادران دانش‌آموزان شنوا ۸۲ پرسشنامه تکمیل و به محقق بازگردانده شد. در نهایت تعداد این پرسشنامه‌ها نسبت به پرسشنامه‌های عزت‌نفس دانش‌آموزان در هر دو گروه ناشنوا و شنوا با ارزش‌ندی مواجه شد که البته این مسئله تا حد زیادی به نظر می‌رسد.

اما، ی استفاده از آزمونی آه ی ی ی بردن به رابطه بین مت.رها و تیدن فرذات پژوهش، محقق ناگز شد تا پرسشنامه ی عزت نفس دانش‌آموی را مورد بررسی قرار دهد که پرسشنامه ن و ی فرزندپر ی مادران آنها ی موجود باشد. لذا از ۱۱۸ پرسشنامه تک ی شده عزت نفس دانش‌آموان ناشنوا ۶۹ پرسشنامه و از ۱۱۵ پرسشنامه تک ی شده عزت نفس دانش‌آموان شنوا ۸۲ پرسشنامه مورد تجزیه و تح ی قرار گرفت.

یافته‌ها

الف - یافته‌ی توصیفی

جدول ۳ - توزیع فراوانی و درصد دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا به تفکیک سن آنها

گروهها	شاخصهای آماری	۱۵-۱۶	۱۷-۱۸	۱۹-۲۰	۲۱-۲۲	تعداد کل
شنوا	فرا ی (درصد)	۳۸ (۰.۶۴)	۳۳ (۰.۵۴)	۱۱ (۰.۳۱)	۰	۸۲ (۰.۴۰)
ناشنوا	فرا ی (درصد)	۱۰ (۰.۴۹)	۳۱ (۰.۴۱۲)	۲۰ (۰.۸۰۸)	۸ (۰.۱۰۹)	۶۹ (۰.۵۱)

جدول ۴ - توزیع فراوانی و درصد میزان عزت نفس دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا

گروهها	شاخصهای آماری	عزت نفس بالا	عزت نفس پایین
دانش‌آموان شنوا	فرا ی (درصد)	۵۵ (۰.۷۱)	۲۷ (۰.۳۱)
دانش‌آموان ناشنوا	فرا ی (درصد)	۲۹ (۰.۴۲)	۴۰ (۰.۵۸)

جدول ۵- توزیع فراوانی و درصد شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا

گروهها	شاخصهای آماری	اقتداری	استبدادی	سهل گیرانه
دانش‌آموزان شنوا	فرا ی	۷۶	۳	۳
	درصد	(٪ ۲۱)	(٪ ۱)	(٪ ۱)
دانش‌آموزان ناشنوا	فرا ی	۵۹	۶	۴
	درصد	(٪ ۵۱)	(٪ ۱)	(٪ ۱)

جدول ۶- توزیع فراوانی و درصد میزان تحصیلات مادران دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا

میزان تحصیلات	شاخصهای آماری	شنوا	ناشنوا
زیر دیپلم	فرا ی	۴۸	۵۷
	درصد	(٪ ۸۱)	(٪ ۲۱)
دیپلم و بالای دیپلم	فرا ی	۳۴	۱۲
	درصد	(٪ ۱۱)	(٪ ۷)

ب) یافته‌های مربوط به فرضیات پژوهش:

فرضیه اول: «بین نژاد و شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا تفاوت وجود دارد.»

جدول ۷- t-محاسبه شده برای مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا

شیوه‌ها	گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t محاسبه شده	سطح معناداری
اقتداری	شنوا	۸۲	۴۳٫۱۸	۳٫۰۶	۱۴۹	۱٫۰۹	۰٫۱۶
	ناشنوا	۶۹	۴۲٫۰۵	۴٫۱۵			
استبدادی	شنوا	۸۲	۲۵٫۱۴	۵٫۰۲	۱۴۹	۰٫۰۲	۰٫۱۸
	ناشنوا	۶۹	۲۵٫۰۲	۵٫۱۰			
سهل گیرانه	شنوا	۸۲	۲۶٫۱۱	۵٫۰۳	۱۴۹	۰٫۱۰	۰٫۱۱
	ناشنوا	۶۹	۲۷	۴٫۰۷			

P < ۰٫۰۱

همار گونه که در جدول فوق مشاهده می شود، ب ۶۹ درصد اط نان می توان گفت، ن و ی فرزندپری مادران دانش آموزان شنوا و ناشنوا با کد گر تفاوت ندارد. با توجه به اذنی گزارش شده در جدول، مشخص می شود که شتر مادران دانش آموزان شنوا و ناشنوا نوه تری خود را اقتدی گزارش کرد. اند. فرد به دوم: بین عزت نفس دانش آموزان شنوا و ناشنوا تفاوت وجود دارد.

جدول ۸ - t محاسبه شده برای مقایسه عزت نفس دانش آموزان شنوا و ناشنوا

گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t محاسبه شده	سطح معناداری
شنوا	۸۲	۳۷.۶	۷.۱	۱۴۹	۵.۷	۰.۰۱
ناشنوا	۶۹	۳۳.۲	۴.۰			

$P < 0.01$

همار گونه که در جدول فوق مشاهده می شود، ب ۶۹ درصد اط نان می توان گفت، عزت نفس دانش آموزان شنوا و ناشنوا با کد گر تفاوت دارد. به این معنا که عزت نفس دانش آموزان شنوا از دانش آموزان ناشنوا شتر است. فرضیه سوم: "بین شیوهای فرزندپروری مادران دانش آموزان شنوا و ناشنوا و عزت نفس فرزندان آنها رابطه وجود دارد."

جدول ۹ - همبستگی محاسبه شده میان شیوهای فرزندپروری مادران و عزت نفس دانش آموزان ناشنوا

استبدادی	همبستگی پیرسون	۰.۶۲ -
سهل گیرانه	همبستگی پیرسون	۰.۱۰ -
اقتداری	همبستگی پیرسون	۰.۰۵
	سطح معناداری	۰.۰۱

$P < 0.05$

همار گونه که در جدول ۹ ملاحظه می شود، مقدار همبستگی محاسبه شده بین آن دو نوه فرزندپری استبدادی و سهل گیرانه مادران و عزت نفس دانش آموزان ناشنوا از

نظر آه ی معنادار است اما ب ۹۵ درصد اط نمان می توان گفت که دیان ش وه فرزندپیر ی اقتد ی مادران و عزت نفس دانشر آمو ان ناش وا رابطه مثبت وجود دارد .

جدول ۱۰- همبستگی محاسبه شده میان شیوه های فرزندپروری مادران و عزت نفس دانش آموزان شنوا

استبدادی	همبسی ی رسون سطح معناد ی	۰ ۱ - ۰ ۳
سهل گیرانه	همبسی ی رسون سطح معناد ی	۰ ۲ -
اقتداری	همبسی ی رسون سطح معناد ی	۰ ۱ ۰ ۱۲

$P < 0.1$

همار گونه که در جدول ۱۰ ملاحظه می شود، مقدار همبسی ی محاسب شده دیان دو ن وه فرزندپیر ی استبد ی و سهل گیرانه مادران د عزت نفس دانشر آمو ان شنوا از نظر آه ی معنادار است، اما ب ۹۵ درصد اط نمان می توان گفت که دیان ش وه فرزندپیر ی اقتد ی مادران و عزت نفس دانشر آمو ان شنوا رابطه مثبت وجود دارد .

بحث و نتیجه گیری

فرز (۱۰) ن ن و ی فرزندپیر ی مادران دانشر آمو ان ناشنوا و شنوا تفاوت وجود دارد. ن نچ زمون ن فرضیه نشان داد که ن و ی فرزندپیر ی مادران دانشر آمو ان شنوا و ناشنوا با کد گر تفاوت ندارد و هر دو گروه از مادران ادشده در تعاملات خود با فرزندانشان شتر از ش وه مقتدرانه سود می جند. نت یج تحقیقات ان ال د ک و همکاران (۲۰۰۴)، > ی از آن است که تعاملات مادر با فرزند ناشی ی خود، به دو شکل متفاوت حمت شد د و افر ی و اطرد و غفلت از اوست . همچنین نت و مارشال (۹۹۹) معتقدند که والد ن نوجوانان ناشنوا در تعامل با آنها تسلط و قدرت ش ی از خود نشان می دهند و اشلز نگر و د بی ن) د دارند که مادران د ی فرزند ناشنوا در مقسه با مادران د ی فرزند شنوا، کنترل ش ی بر فرزند خود ا مال می کند (کشاورزی ارشدی ۱۳۸۴). اما ن نچ ن تحق > ی از آن است که آنها یز در تعامل با فرزند ناشی ی خود، شتر از ن وه فرزندپیر ی مقتدرانه استفاده می نند.

در نتیجه این نتایج می‌توان گفت به نظر می‌رسد که مادران ناشنوا، در دنیای سالم‌ی که با فرزند خود تعامل داشت‌اند، به تجربه دریافت‌اند که حمایت‌های افرای، طرد فرزند و غفلت‌های توجه‌ی نسبت به او، اثر مخیری را بر آنها خواهد گذاشت؛ طری که یا این فرزندان به شدت وابسته به مادر و مانند می‌شوند و از ارتباط با والدین، دیگر اعضای خانواده و دوستان و همسالان کنار می‌روند. از آنجا که این مادران اغلب نگران نده فرزند ناشنای خود، رشد اجتمعی، استقلال و خودکامی او هستند، دریافت‌اند با استفاده از نه‌وی مقتدرانه استقلال، خوداتمی، خودرهی و مسئولیت‌پذیری شی را به فرزندان خود هدایت می‌کنند و از این طریق بهتر می‌توانند آنها را به زندگی مستقل و با نشاط آماده سازند.

البته ناگفته نماند که برگزینی کلاس‌ی آموزش خانواده و جلسات مشاوره در مدارس و کلینیک‌ی مشاوره و توانبخشی، آموزش‌ی رسیدنی و همچنین شرف‌تجربیات و وسایل کمک‌کننده به ناشنوا، زودر بهرشی بیشتر مادران دنی فرزند ناشنوا از اثربخشی نه‌وی فرزندپیری (شوه مقتدرانه) مؤثر است و از نگرانی‌ی مادران نسبت به نده فرزندان‌شان کاسته است.

فردی (۲۰۰۱) نیز عزت‌نفس دانش‌آموان ناشنوا و شنوا تفاوت وجود دارد.

نتایج زمونی رضیه‌نشان داد که عزت‌نفس دو گروه نمونه از دانش‌آموان با کلاگر متفاوت است؛ به این معنا که عزت‌نفس دانش‌آموان ناشنوا کمتر از عزت‌نفس دانش‌آموان شنواست این نتیجه با نتایج تحقیقات کوئل و کی (۱۹۸۲)، کی و همکاران (۹۹۵) و پادلاس (۹۹۶) همسو است. ام‌مورس (۹۹۵) در تحقیق خود عزت‌نفس ناشنوا را در حد افراد شنوا ارزی کرد. در نتیجه نتایج متناقض تحقیقات دادشده می‌توان به این نکته اشاره کرد که تفاوت‌های جنسی، سنی و مذهبی همچون نوع آزمونی، کاررفته‌ی سنجش عزت‌نفس دانش‌آموان می‌تواند سبب این تفاوت‌ها شده باشد. آنچه مسلم است در افراد ناشنوا، محدود بودن ارتباطات اجتمعی آنان، دیدگاه‌ها و قضاوت‌ی نادرست افراد جامعه، ناکام‌های تجربه شده ناشنوا، در موقتی مختلف خانوادگی، تحصیلی، شغلی، تعاملات آنها با والدین، معلمین، دوستان، آشنایان، پسخورا‌ی معمولاً صورت‌می‌آز آنها دریافت می‌کنند و گاه تصور نادرستی که از ارتباط با افراد شنوا دارند می‌تواند از عواشی باشد که بر کاهش

عزت نفس آنها. اثر است که بالتبع می‌تواند بر جنبه‌ی مختلف زندگی آنان تأثیرات م‌ی‌بگذارد.

فرزندان (۲) و فرزندپدری مادران دانش‌آموان ناشنوا و شنوا و نیز زنان عزت نفس فرزندان آنها، رابطه وجود دارد.

نتیجه حاصل از زمون این فرضیه نشان داد که بین ش.وه فرزندپدری مقتدرانه دانش‌آموان ناشنوا و شنوا و عزت نفس فرزندان آنها رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ به این معنا که هر قدر عزت نفس فرزندپدری مادران هر دو گروه نمونه مقتدرانه‌تر باشد، عزت نفس فرزندان آنها بیشتر خواهد بود.

همچنین نتیجه نشان داد که در هر دو گروه نمونه، بین دو ش.وه فرزندپدری استبدادی و سهل‌رانه مادران با عزت نفس فرزندان رابطه معناداری وجود ندارد.

نتیجه‌های نتایج تحقیقات دیگر و واسی (۲۰۰۶)، آنولا (۲۰۰۰)، هرز و همکاران (۱۹۹۹)، هفمن و شرف (۱۹۹۳) در خصوص ش.وه فرزندپدری مقتدرانه مادران و رابطه آن با عزت نفس فرزندان همسواست. در تبیین فرزده‌سود، بیدگفت و نیز والدین در سه ش.وه مختلف فرزندپدری و نوع تعاملی که بین آنها و فرزندان آنها است، نشان می‌دهد که چگونه عزت نفس فرزندپدری مقتدرانه، می‌تواند سبب افزایش عزت نفس در فرزندان شود.

خصوصیات والدین مقتدر شامل مشارکت و علاقه فراوان آنها به زندگی فرزندان، برقراری ارتباط صمیمانه با آنها، داشتن اطمنان و اعتماد به آنان و تصدیق به شان و تشویق و ارتقای استقلال‌ری آنهاست. (باربر، ۱۹۹۶)

آنان فرزندان خود را تشویق می‌کنند که علاقه، ارزشها و استعداد خود را دنبال کنند و خود را به‌آزما و توانایی فرزندان خود توجه دارند. (باربر و بن، ۲۰۰۲)

والدین مسیبه رفتار فرزندان را با قوی محکم و انعطاف‌ناپذیری کنترل می‌کنند و برای اصلاح رفتار آنان به زور و تهدید متوسل می‌شوند. تصامات آنها و چون و چراست و فقط از حفظ قانون و اطاعت از آن صحبت می‌کنند. (کاپلان، ترجمه روزبخت ۳۸۱)

والدین سهل‌رانه رفتار فرزندان خود حمایت ووق‌العادی می‌کنند و بی‌آنان

محدودیت و نظم و انضباط خای را تعیین می‌کنند و از مقابله با فرزندان اجتناب می‌دهند (بامرند ۹۹۱)

از آنچه گفته شد، دید می‌شود که عزت نفس در کودکان و نوجوانی به بهترین شکل رشد می‌کند که ارتباط آنها با والدین نشان به گونه‌ای باشد که به آنها اجازه تصدیق و فعالیت مستقل داده شود و رفتارهای مسئولانه فرزندان تشویق شود. در این خصوص تفایلی، ناشنویان و ناشنویان وجود ندارد. در ناشنویان عزت نفس در ابتدا در بستر خانواده شکل می‌گیرد و از همان‌گهواره ابعت می‌کند. بدون تردید، ناشنویانی که از عزت نفس رشد یافته برخوردار باشند، در زندگی اهداف بالایی را برای خود انتخاب می‌کنند، خودکفاتر، مولدتر و سازنده‌تر هستند. اضطراب و فشار روانی کمتری را تجربه می‌کنند، به شکست و انتقاد کمتر حساسیت نشان می‌دهند و کمتر از احساس درماندگی رنج می‌برند. آنان تمایل بیشتری به مواجهه با مشکلات دارند و بر نقاط قوت خود تمرکز می‌کنند؛ لذا نسبت به خود و توانمندی خود، نگرش مثبتی دارند؛ همین امر سبب می‌شود تا از اجتماع کناره‌گیری نکنند و به موفقیت‌های شخصی و تحصیلی دست یابند؛ انگیزش برتری آنان به سوی انگیزش درونی تیر می‌رسد و احساس خودارزشمندی و خوداتکایی می‌کنند که یکی از فردها ناشنویان، بسیار مهم و اساسی و ضامن استقلال، ثبات عادی و رشد همه‌جانبه اوست.

با توجه به نتایج این تحقیق، می‌توان پیشنهادهای زیر را مطرح کرد:

- انجام پژوهش‌ها در سه گروه‌های ناشنویان.
- انجام پژوهش در پسران و مقایسه آن با نتایج پژوهش حاضر.
- دادن آموزش‌های لازم به اوانی مدارس و والدین (خصوصاً والدین دانش‌آموزان ناشنویان) برای تعامل بهتر و سازنده‌تر با آنها.
- دادن آموزش‌های لازم به دانش‌آموزان خصوصاً دانش‌آموزان ناشنویان برای افزایش عزت نفس و احساس خودارزشمندی آنها.

یادداشتها

- | | |
|---------------|-----------------|
| 1) Demanding | 2) Accepting |
| 3) Responsive | 4) Autoritative |
| 5) Democratic | 6) Autoritarian |

- | | |
|----------------------|---------------|
| 7) Permissive | 8) Uninvolved |
| 9) Brophy | 10) Hart |
| 11) Dewolf | 12) Burts |
| 13) Forman | 14) Kochanska |
| 15) Loeb & Sarigiani | 16) mores |

منابع

- آقاجری، زهرا (۱۳۷۴). بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر عزت نفس و سازگاری فرزندان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء(س).
- اسلامی، دوست، تری (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر نابینا و ناشنوای دبیرستانهای نرجس و نیمروز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- برجعلی، احمد (۱۳۷۸). تأثیر سازگاری و الگوهای فرزندپروری والدین بر تحول روانی - اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران، پایان نامه دکتری، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- بابانگرا، اسما ل. (۱۳۸۰). روش‌های ارزش عزت نفس در کودکان و نوجوانان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- تامپسون، چارلز. (۱۳۸۴). مشاوره با کودکان، ترجمه جواد طو، از: تهران: انتشارات رشد.
- صدرالسادات، د. دجلال (۱۳۸۰). عزت نفس در افراد با نیازهای ویژه. تهران: انتشارات سازمان بهزیستی و توانبخشی.
- کاپلان، پاول اس (۱۳۸۱). سفر پرماجرایی کودک، ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- کردنو، رسول (۳۷۸). روابط بین سبک‌های شناختی وابسته به زن. نه و وابسته به زن. نه. دانش‌آموزان و روش‌های تربیتی مورد استفاده والدین آنها. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

کشاورزی ارشد، فرناز؛ تری، پارسا (۱۳۸۴). *روانشناسی آموزشی ناشدنی‌ها*. تهران: انتشارات شرح.

کلمز، همس و همکاران (۱۳۸۳). *روشنی تقویت عزت نفس در نوجوانان*، ترجمه پروین عیوب. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

گال، مریدت؛ بروگ، والتر؛ گال، جیمس (۱۳۸۲). *روشنی تحقیقی و علمی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، متجمان احمدرضا نصر و دیگران. تهران: انتشارات سمت.

محمدی، شهربانو (۱۳۸۳). *مقاسم زان اختلالات رفتاری دختران نوجوان با توجه به شش‌ماهگی فرزندپری و والدین در دبیرستان شهرستان*. رفت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

مختار بختیار، زهره (۱۳۷۹). *بررسی تفاوت رشد اجتماعی دانش‌آموزان شنوای و ناشنوای پسر ۷ ساله مشهد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

میرزایی، لیلا (۱۳۸۴). *بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران با رشد شناختی کودکان ۷ ساله با تاکید بر خلاقیت دقت و حل مسئله*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

نبوی، سید صادق (۱۳۷۵). *بررسی ارتباط عزت نفس و اضطراب امتحان در دانش‌آموزان پایه دوم دبیرستان نمونه و عادی تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

Alizade , H & Andries , C. (2002). Interaction of Parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents. *Child & Family Behaviour Therapy*, 24, 37-52.

Aunola , K. Statain & H, Nurmi , J. (2000). Parenting style and achievement strategies. *Journal Adolescence*, 23, 200-222.

- Barber , B.K.(1996). Parental control: Revising a neglectful construct. *Child Development*. 67, 3296-3319.
- Barber, B.K.& Bean, R.L.& Erickson, L.D (2002). *Expanding the Study and Understanding of Psychological Control* . Haworth press.
- Baumrind , D.(1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence* , 11 , 56-95.
- Berk , L.e. (2000) , *Child Developments*. Fifth edition, Cole Publishing Company.
- Berns , Roberta M. (2006). *Child Family , School , Community*. Belmont Publisher U.S.A.
- Darling , N. (1999), *Parenting Style and its Correlates: Genetics , Social & General Psychology Monographs*. 125 , Issue 3 , 269-297.
- Goldberg , H. & Goldberg , T. (2000), *Counseling Today's Family*. (Third ed). Brooks / Cole Publishing Co.
- Hunt , N & marshal, K.(1994). *Exceptional Children and Youth*. Houghton Mifflin Company.
- Fliger , J, C. & Vazsonyi , A. T. (2006) Parenting process and dating violence. *Journal of adolescence* : 29, Issue 4 , 495-512.
- Hunter, T.(2006). *Hearing impairment*. Retrieved from:
<http://www.kidshealth.org/kid/health problems / slight/hearing-impairment.html>
- Mac, A, Jouhn D.(2004).*Self-Esteem*. Retrieved from:
<http://www.maces.ucsf.edu/Research/psychological>
- Pudlas, K.A.(1996). Self –Esteem and self – Confidence. Retrieved from:
www.eric.ed.gov/eric veb portal
